

نسخه دوم

ای زین دلین و آسمان و آفتاب  
 آن ستاره کس پر فروغ راز دار  
 آب و سزه و گل و بهار  
 مرغ عاشقی که با ترانه؟  
 روی ساقه سگفته آینه سافت  
 اولین جبهه بر  
 گردون غار و قعر دره  
 وز میان کلمه فرره خردن  
 شد برون و شد ر  
 راز برای کورگان خویش خانه سافت  
 آن سینه دل که گفت -

۱۲۵۲

تا زمانه بوده ، تا زمانه بوده است  
 و آن که داد با عشق

~~عزم و زورم مردمان~~

تا زمانه را سگفته تا زمانه بوده است  
 می سگفته کاش  
 گردن پلید و دستهاش  
 اولین کسی که تا زمانه سافت !

آن دلاوری که با هزار آرزو  
 با هزار رنج و سوز و جستجو  
 قهر کلاف زندگی نل عصر را  
 روی ساقه آینه دلاوران سافت  
 آن که جز به سعید بزرگ عشق  
 خم نمود سر  
 و آن سینه گر  
 که در میان برون گان

۲

۱

برگزینت خوش را خانه سافت  
این رنن <sup>چلتن</sup>  
با هم گفتم و سگده و پنج در اقس  
با بر آنچه در گذر  
با بر آنچه جا و دان بجاست  
خانه من دست

سورن نثار آن کسی که او  
ارخص را - چراغ  
سوره زار را - چمن  
خانه را پر از ترانه سافت . . .

x x x

لندن یلای ۱۳۵۴

*[Faint bleed-through text from the reverse side of the page, including phrases like "خانه سافت" and "سورن نثار"]*